

# قرائت رسمی از ادبیات فارسی

علی اصغر سیدآبادی

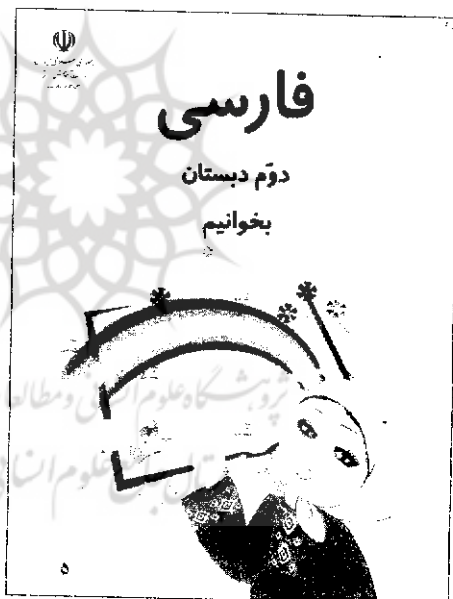
در این مقاله کوتاه، تلاش می‌کنیم با نگاهی آسیب‌شناسانه، اهداف و پیش‌فرض‌هایی را بررسی کنیم که به نوشتن کتاب‌های ادبیات فارسی فعلی مدارس، منجر می‌شود.

## ادبیات به روایت آموزش و پرورش

کتاب‌های درسی ادبیات فارسی، چه برداشتی از ادبیات دارند؟ معمولاً در این کتاب‌ها، تلقی خاصی از ادبیات فارسی وجود دارد و همین تلقی است که آن را می‌سازد. مؤلفان یا همین تلقی، به انتخاب و نوشتن متون می‌پردازند و با همین تلقی، به چارچوب‌هایی می‌رسند که معیارهای شان را شکل می‌دهد.

مروری بر کتاب‌های فارسی مدارس، این برداشت را تا حدودی نشان می‌دهد.

منتقدان، کتاب‌های درسی را از منظرهای مختلف مورد بررسی داده‌اند. برخی از آنان، به نحوه انتخاب متن‌ها انتقاد دارند و برخی به بی‌توجهی کتاب‌ها به ادبیات معاصر و برخی دیگر به حجم آثار ایدئولوژیک و برخی به بی‌توجهی به آثار خلاقه و... این انتقادات، معمولاً با جوابی مشخص، از سوی دست‌اندرکاران آموزش و پرورش روبه‌رو می‌شود؛ جوابی که اگر هم اهل قلم با پاسخ نکتند، دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، در



قضاوت و داوری درباره کتاب‌های درسی، بدون آگاهی از پیش‌فرض‌ها و اهداف، اگرچه حقی دموکراتیک است، راه به جایی نمی‌برد؛ زیرا کتاب درسی، خلاف کتاب‌های دیگر، براساس برنامه‌ای از پیش تعیین شده نوشته می‌شود.

در نقد کتاب‌های درسی، از دو جنبه می‌توان وارد شد؛ یکی این که چقدر به آن برنامه از پیش تعیین شده وفادار مانده است، و دیگر این که برنامه تا چه حد می‌تواند مسئولیت‌پذیر باشد؟

نباشد یا حتی نویسنده، هدفی مشخص و معین را در آن دنبال نکرده باشد. در حالی که ادبیات آموزشی، لزوماً هدفی از پیش تعیین شده را دنبال و تلاش می‌کند این هدف محقق شود.

این دوگانه مفهومی نیز خود جای مناقشه بسیار دارد. آیا ادبیات آموزشی نیز ادبیات است؟ ادبیات آموزشی، به موضوع‌های گوناگونی می‌پردازد؛ از آموزش ریاضیات و علوم گرفته تا اخلاق و دین و مقررات راهنمایی و رانندگی.

در تقسیم‌بندی‌های معمول حوزه ادبیات کودک و نوجوان، چنین ادبیاتی را در «غیر داستان» یا ادبیات غیر تخیلی تقسیم‌بندی می‌کنند؛ ادبیاتی که اگرچه از شگردهای ادبی بهره می‌برد، به موضوع‌هایی از پیش تعیین شده می‌پردازد. ادبیات آموزشی، نمونه‌های غلیظ‌تری نیز دارد که شاید باید از آن به ادبیات تبلیغی نام برد؛ ادبیاتی که می‌کوشد خواننده را قانع کند که چیزی را بر چیزی ترجیح بدهد یا رفتارش را عوض کند و یا...

این تلقی، ادبیات را در قالب ارتباط محدود می‌داند؛ چیزی که ادبیات برجسته ایران و جهان در آن نمی‌گنجند. تقلیل ادبیات به ابزار ارتباط، با این پیش فرض صورت می‌گیرد که معنی مورد نظر نویسنده، به مخاطب منتقل می‌شود و مخاطب هنگام خواندن یک متن، می‌کوشد به گوهر این معنا پی ببرد. در حالی که ادبیات می‌تواند امکانی فراهم سازد که مخاطب معناهای تازه بیافریند و از ارتباط فراتر رود و به خلاقیت برسد.

در کتاب‌های درسی، ادبیات به ابزار ارتباط فرو کاسته می‌شود؛ آن هم ارتباطی با اهدافی مشخص که مهم‌ترین ویژگی‌اش «تغییر» دادن مخاطب است. به عبارت دیگر، کتاب درسی، وضعیت حال نوجوان یا کودک را وضعیتی مطلوب نمی‌داند و مدام تلاش می‌کند تا طبق برنامه‌ای از پیش تعیین شده، او را به وضعیتی که مطلوب می‌داند،

آن چندان ایرادی نمی‌یابند. به نظر آنان، کتاب درسی ویژگی‌هایی دارد که آن را از کتاب‌های غیردرسی و مخصوصاً ادبی متمایز می‌کند؛ زیرا هم برنامه‌ای از پیش تعیین شده دارد، هم باید در ادامه کتاب‌های پایه‌های قبلی باشد و هم چشمی به پایه‌های بعدی داشته باشد و هم... اما این که این ویژگی‌ها لزوماً به انتخاب متن‌های ضعیف، ایدئولوژیک و حتی قدیمی می‌انجامد، خود محل تردید است و باید علت را در جای دیگری جست: تلقی آموزش و پرورش از ادبیات.

### تقلیل ادبیات به ابزار آموزش و تبلیغات

مروری بر کتاب‌های فارسی مدارس، از برداشتی حکایت دارد که ادبیات را ابزار آموزش و تبلیغ می‌داند. برای این که موضوع روشن‌تر و شفاف‌تر شود، از دوگانه «ادبیات آموزشی / آموزش ادبی» کمک می‌گیریم.

ادبیات آموزشی، ادبیاتی در خدمت آموزش است. به این صورت که از پیش، قرار است موضوعی خاص را آموزش بدهد. مثلاً شاعر تصمیم می‌گیرد چهار عمل اصلی را در ریاضی، یا شعر به بچه‌ها آموزش بدهد. البته، ادبیات آموزشی غیرمستقیم‌تری هم وجود دارد.

آموزش ادبی، اما به کلی چیز دیگری است. آموزش ادبی، ادبیات را آموزش می‌دهد. اگر در ادبیات آموزشی، ادبیات در خدمت آموزش است، در آموزش ادبی، آموزش در خدمت ادبیات است. حال اگر بخواهیم کتاب‌های فارسی را از این منظر ببینیم، در این کتاب‌ها با چه چیزی روبه‌رو هستیم؟

البته در این بحث، نباید بین ادبیات آموزشی و نقش‌های ادبیات خلط کنیم. هیچ‌کس نمی‌تواند منکر نقش‌ها و کارکردهای ادبیات شود. هر متن ادبی، پس از خوانده شدن، کارکردها و نقش‌هایی دارد که ممکن است با اهداف نویسنده همخوان

هدایت کند. به همین دلیل، محور فصل‌بندی در این کتاب‌ها، به جای این که بر مبنای عناصر ادبی باشد، بر مبنای موضوع‌هایی خارج از ادبیات شکل یافته است و به همین دلیل، این کتاب‌ها موضوع محورند.

فهرست کتاب‌های فارسی دوره راهنمایی، خود‌گویای این ویژگی است. فصل اول: اسلام و انقلاب اسلامی / فصل دوم: آشنایی با طبیعت / فصل سوم: جلوه‌های زندگی / فصل چهارم: مردم‌شناسی / فصل پنجم: اخلاق / فصل ششم: هنر / فصل هفتم: علم.

● در کتاب‌های درسی، ادبیات به ابزار ارتباط فرو کاسته می‌شود؛ آن هم ارتباطی با اهدافی مشخص که مهم‌ترین ویژگی‌اش «تغییر» دادن مخاطب است. به عبارت دیگر، کتاب درسی، وضعیت حال نوجوان یا کودک را وضعیتی مطلوب نمی‌داند و مدام تلاش می‌کند تا طبق برنامه‌ای از پیش تعیین شده، او را به وضعیتی که مطلوب می‌داند، هدایت کند

اما این که این موضوع‌ها چگونه انتخاب شده‌اند نیز خود محل تأمل است و همه این‌ها، زاینده یک تلقی از ادبیات است. اما سرچشمه این تلقی کجاست؟

### حاکمیت ایدئولوژیک

نهاد آموزش و پرورش رسمی نیز نهادی است که در چارچوب سیاست‌های کلان حاکمیت فعالیت می‌کند و نمی‌تواند در پی اجرای برنامه‌هایی باشد که این چارچوب را می‌شکنند.

حاکمیت ایران، حاکمیتی ایدئولوژیک است؛ با بسایدها و نبسایدهای نسبتاً مشخص و با ترجیح‌گذاری‌هایی نسبتاً واضح. حاکمیت به سبب ایدئولوژیک بودن، گرایش‌هایی را بر گرایش‌های دیگر ترجیح می‌دهد و مردمی را بر مردم دیگر، عقیده‌ای را فرو می‌کوبد و عقیده‌ای را برمی‌افرازد. برای چنین حاکمیتی، اقتدار‌گرایی و عقیده‌ای که آن را مطلوب می‌داند و بسیار باارزش‌تر از تنوع و گوناگونی است. به همین دلیل، در هر حوزه‌ای «قرائت‌های رسمی» پای می‌گیرد و می‌کوشند نوعی یکسان‌سازی، بر محوریت آن قرائت‌های رسمی، اعمال شود.

در چنین حاکمیتی، آموزش و پرورش نقشی مهم و کلیدی بازی می‌کند. آموزش و پرورش، تنها متولی آموزش مهارت‌ها و توانایی‌ها نیست، بلکه متولی ترویج قرائت‌های رسمی در حوزه‌های مختلف نیز هست. در چنین آموزش و پرورشی، برای ادبیات فارسی نیز چنین وظیفه‌ای محتم است و ادبیات، ابزاری است برای ترویج مطلوب‌ها که علاوه بر اهداف مرتبط با آموزش زبان، هدف‌هایی ارزشی را نیز دنبال می‌کند.

### بررسی یک نمونه

آموزش و پرورش ایران، این سیاست کلان را در برنامه تألیف کتب درسی، مدنظر قرار می‌دهد. «شورای عالی آموزش و پرورش» که عالی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری در درون وزارت آموزش و

قصص آن آشناست.

۱۰- با تاریخ صدر اسلام آشناست و به آن علاقه نشان می‌دهد.

۱۱- فروغ‌دین را می‌داند.

۱۲- می‌تواند از رساله عملیه خاص سنن خود استفاده کند.

۱۳- احکام تقلید را می‌داند و مرجعی برای خود انتخاب کرده است.

۱۴- احکام مربوط به محرم و نامحرم را رعایت می‌کند.

۱۵- به انجام امر به معروف و نهی از منکر علاقه نشان می‌دهد.

۱۶- معنای جهاد و شهادت را می‌داند و به حضور در صحنه‌های دفاع از دین علاقه نشان می‌دهد.

۱۷- زمان‌ها و مکان‌های مقدس را می‌شناسد و به وظیفه خود در مقابل آن‌ها عمل می‌کند.

۱۸- در مسجد با رغبت حضور می‌یابد و در برنامه‌های عبادی، فرهنگی و اجتماعی آن شرکت فعالانه دارد.

### اخلاقی

۱- راستگو، امانت‌دار و راز نگهدار است.

۲- به ارزش‌های اخلاقی علاقه نشان می‌دهد.

۳- به ارزش‌ها و توانایی‌های خود آگاه است و سعی در پرورش آن‌ها دارد.

۴- دختری عقیف و باحیا و پسری شجاع و غیور است.

۵- اطاعت از والدین را وظیفه می‌داند.

۶- برای انجام کارهای خود، شخصاً اقدام می‌کند و خود را از مشورت دیگران بی‌نیاز نمی‌داند.

۷- موفقیت دیگران را ارج می‌نهد و خود نیز برای رسیدن به موفقیت تلاش می‌کند.

پرورش است، این سیاست‌های کلان را خردتر کرده و در قالب برنامه‌های دوره‌های تحصیلی، عملیاتی می‌کند.

برای نمونه، می‌توانیم نگاهی کنیم به «اهداف دوره راهنمایی تحصیلی»، مصوب جلسه ۶۴۷ شورای عالی آموزش و پرورش.

این اهداف، براساس اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی، در ۸ بخش تدوین شده است: اعتقادی، اخلاقی، علمی و آموزشی، فرهنگی و هنری، اجتماعی، زیستی، سیاسی و اقتصادی.

این اهداف، مطلوب‌های نظام آموزش رسمی ایران را در هر بخش بیان می‌کند. با این همه، مرور بر اسامی بخش‌ها خود تا حدودی نشانگر نگرش پایه‌ای است که این متن را به وجود آورده.

### اعتقادی

۱- اصول دین را باور دارد و بر مبنای آن عمل می‌کند.

۲- خدا را به دلیل ربوبیت، شایسته اطاعت می‌داند.

۳- با انبیا و ائمه معصومین (ع) آشنایی دارد و به مطالعه زندگی آن‌ها علاقه نشان می‌دهد.

۴- با ولایت‌فقیه آشنایی دارد و رابطه آن را با امامت می‌داند.

۵- به رعایت تولی و تبری توجه دارد.

۶- با اولیای دین، بزرگان و شخصیت‌های اسلامی آشنایی دارد و به مطالعه زندگی آن‌ها علاقه نشان می‌دهد.

۷- قیامت و حساب در آن روز را باور دارد و خود به سبب اعمالش، در نزد خداوند مسئول می‌داند.

۸- نماز را مهم‌ترین راه ارتباط با خدا می‌داند و به خواندن نمازهای پنج‌گانه عادت کرده است.

۹- قرآن را صحیح قرائت می‌کند و با برخی از

- ۸- به دیگران کمک می‌کند و در رفع ضعف‌های آن‌ها می‌کوشد.
- ۹- از لباس‌های مناسب اسلامی ایرانی استفاده می‌کند.
- ۱۰- اوقات فراغت خود را با فعالیت‌های مناسب پر می‌کند.
- ۱۱- وضع ظاهری خود را با توجه به موازین دینی و اجتماع مرتب می‌کند.
- ۱۲- توانایی عفو کردن دیگران در او به وجود آمده است.
- ۱۳- با دقت در اعمال خود نسبت به دیگران، زمینه اشتباه و خطای آن‌ها را در مورد خود از بین می‌برد.
- ۱۴- رعایت احترام دیگران را در صحبت با آن‌ها لازم می‌داند و با جملات احترام‌آمیز سخن می‌گوید.
- ۱۵- کاری از دیگران خواستن را مگر در صورت ناچاری، امری ناپسند می‌داند.
- ۱۶- به پیشرفت کشور خود و هموطنانش اهمیت



- می‌دهد و یکپارچگی ملی را با ارزش می‌داند.
- ۱۷- استفاده از تجربه بزرگ‌ترها را برای پیشرفت خود و دیگران لازم می‌داند.
- ۱۸- قبل از عمل فکر می‌کند.
- ۱۹- به انتقاد از خود و دیگران اهمیت می‌دهد.
- ۲۰- خوب را از بد تشخیص می‌دهد و گرایش به خوبی دارد.
- ۲۱- رفتاری مستعادل دارد و سعی می‌کند بر احساسات خود تسلط یابد.
- ۲۲- به رعایت نظم و انضباط عادت کرده است.
- ۲۳- رعایت قانون را برای حفظ حقوق همه لازم می‌داند.

### علمی و آموزشی

- ۱- نسبت به پدیده‌های علمی، محیطی و تجربی حساس است و ارتباط آن‌ها را درک می‌کند.
- ۲- اطلاعات لازم را در حوزه‌های علوم طبیعی، انسانی و اجتماعی کسب کرده و به نقش علوم و کاربرد آن‌ها در پیشرفت جامعه آگاه است.
- ۳- با زبان و ادب فارسی مأنوس است و در کاربرد مهارت‌های زبانی و استفاده از متون ساده ادبی، توانایی دارد.
- ۴- مهارت‌های پایه را در ریاضیات می‌داند و با نقش و کاربرد آن در زندگی و پیشرفت سایر علوم آشناست.
- ۵- با زبان عربی و برای فهم بهتر قرآن و احادیث ادعیه و ادبیات فارسی تا حدودی آشناست.
- ۶- با یک زبان خارجه، در حد توانایی مکالمه ساده و روزمره، آشنایی دارد.
- ۷- می‌تواند از رسانه‌های ارتباطی، برای کسب اطلاعات استفاده کند.
- ۸- جامعه خود و متماثل آن را با حدی می‌شناسد و

- ۶- با برخی از هنرهای اسلامی و ایرانی آشناست.  
 ۷- به مطالعه متون ادبی و فرهنگی علاقه مند است.  
 ۸- با فرهنگ و آداب و سنن مطلوب جامعه آشناست و نسبت به آن‌ها احساس تعهد می‌کند.  
 ۹- آثار هنری و فرهنگی را با توجه به تأثیرات آن‌ها در رشد انسان، بررسی می‌کند.

### اجتماعی

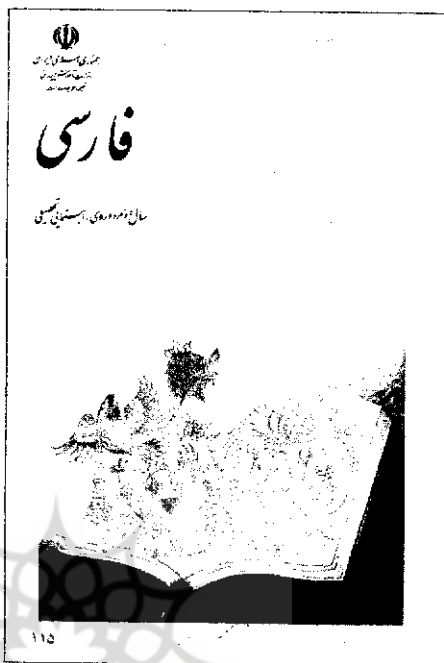
- ۱- وظایف خود را در مقابل خانواده، دوستان و همسایگان رعایت می‌کند.  
 ۲- نظرهای اصلاحی دیگران را در مورد خود جویا می‌شود و از آن‌ها استفاده می‌کند.  
 ۳- برای گرفتن حق خود و دیگران تلاش می‌کند.  
 ۴- در انجام کارها از دیگران کمک می‌گیرد و به دیگران نیز کمک می‌کند.  
 ۵- در کارهای گروهی و اجتماعی شرکت می‌کند و به اهمیت نقش رهبری و وظایف اعضا واقف است.  
 ۶- برای کسب موفقیت تلاش می‌کند و از موفقیت‌های دیگران نیز شاد می‌شود.  
 ۷- به اهمیت قانون واقف است و رعایت آن را مفید و ضروری می‌داند.  
 ۸- به وظایف و مسئولیت‌های خود آگاه و نسبت به انجام آن‌ها پای‌بند است.  
 ۹- به کسانی که مسئولیت خود را انجام نمی‌دهند، با شیوه مناسب تذکر می‌دهد.  
 ۱۰- موفقیت‌های جامعه خود را در صحنه‌های بین‌المللی ارج می‌نهد.  
 ۱۱- با معنی این‌بار آشناست و در موقع لزوم، از خود گذشتگی نشان می‌دهد.  
 ۱۲- در برابر خدمت دیگران قدرشناس است و از

## ● در چنین حاکمیتی، آموزش و پرورش نقشی مهم و کلیدی بازی می‌کند. آموزش مهارت‌ها و توانایی‌ها نیست، بلکه متولی ترویج قرائت‌های رسمی در حوزه‌های مختلف نیز هست

- برای زندگی در جامعه مهارت کافی دارد.  
 ۹- نسبت به کاربرد علم در بهبود روش‌های انجام کار، آگاه است.  
 ۱۰- روحیه علمی، قدرت استدلال و تفکر انتقادی و خلاق دارد.  
 ۱۱- نحوه یادگیری خود را می‌فهمد.  
 ۱۲- شیوه صحیح مطالعه و تحقیق را می‌داند.  
 ۱۳- به تفکر و مباحثه علاقه‌مند است و با روش تحقیق، آشنایی عملی دارد.

### فرهنگی هنری

- ۱- با استعداد‌های خود آشناست و سعی در پرورش آن‌ها دارد.  
 ۲- ابعاد زیبایی را در مخلوقات الهی توصیف می‌کند.  
 ۳- از مشاهده و بررسی آثار هنری لذت می‌برد.  
 ۴- با استعداد‌های هنری خود آشناست و سعی در پرورش آن‌ها دارد.  
 ۵- از تجارب و دستاوردهای فرهنگی دیگران استفاده می‌کند و از تقلید کورکورانه اجتناب می‌ورزد.



آن‌ها تشکر می‌کند.  
 ۱۳- نقش زن و مرد را در خانواده و اجتماع می‌داند.  
 ۱۴- خدمت کردن به مردم و میهن را وظیفه می‌داند.

### زیستی

- ۱- کارکرد و وظایف اعضای بدن را می‌شناسد و تناسب آن‌ها را حفظ می‌کند.
- ۲- با بهداشت فردی و اجتماعی آشناست و آن را رعایت می‌کند.
- ۳- در حفظ و احیای محیط زیست کوشش می‌کند.
- ۴- برای حفظ سلامتی خود ورزش می‌کند و در رشته ورزشی مورد علاقه خود دارای مهارت نسبی است.
- ۵- با کمک‌های اولیه آشنایی دارد و می‌تواند از آن‌ها در مواقع لزوم استفاده کند.
- ۶- برخی از بیماری‌ها و عوامل بیماری‌زا را می‌شناسد و راه‌های پیشگیری از آن‌ها را می‌داند.
- ۷- نقش تغذیه را در حفظ سلامت بدن می‌داند و با تغذیه مناسب، سلامتی خود را حفظ می‌کند.

### سیاسی

- ۱- سلسله مراتب حاکمیت در نظام جمهوری اسلامی را می‌داند.
- ۲- تفاوت حکومت دینی مبتنی بر ولایت فقیه را با سایر حکومت‌ها می‌داند.
- ۳- با تاریخ سیاسی ایران معاصر و مبارزات سیاسی بنیانگذار جمهوری اسلامی آشنایی دارد.
- ۴- نسبت به سرنوشت مسلمانان جهان حساس است.
- ۵- راه‌های حفظ استقلال، آزادی و عدم وابستگی را می‌شناسد.

● **تقلیل ادبیات به ابزار ارتباط، با این پیش فرض صورت می‌گیرد که معنی مورد نظر نویسنده، به مخاطب منتقل می‌شود و مخاطب هنگام خواندن یک متن، می‌کوشد به گوهر این معنا پی ببرد. در حالی که ادبیات می‌تواند امکانی فراهم سازد که مخاطب معناهای تازه بیافریند و از ارتباط فراتر رود و به خلاقیت نرسد**

علاقه‌مند است.

مروری بر بندهای مختلف این اهداف، از تراکم موضوع‌ها و بایدها و نبایدهایی حکایت دارد که ربط چندانی به آموزش در معنای متعارفش ندارد و بیش‌تر آموزش ایدئولوژیک با هدف‌هایی انتزاعی و استعلایی را مد نظر دارد.

### ● طرفه این جاست که

دانش آموز، پس از طی پنج

سال ابتدایی و سه سال

راهنمایی و داشتن کتاب

فارسی در همه مقاطع، هنوز

درباره اصل این که «ادبیات

چیست؟» چیزی نخوانده است.

در برنامه کلی دوره و در

برنامه فارسی، هیچ اشاره‌ای

به این بحث نشده و در سراسر

کتاب‌های فارسی نیز حتی

درسی در این زمینه گنجانده

نشده است. دانش آموز، پس از

گذراندن دوره راهنمایی هم

فرق بین یک متن ادبی و یک متن

غیرادبی را نمی‌داند؛ زیرا آنچه

در سامان‌یابی این کتاب‌ها

اصالت دارد، مجموعه‌ای از

موضوع‌هاست؛ با مجموعه‌ای

از مطلوب‌های رسمی

عربا فعالیت‌های سیاسی و شیوه مبارزه پیامبران و ائمه معصومین (ع) در دفاع از حق، آشناست.

۷- دارای روحیه سلحشوری و دفاع از کیان کشور اسلامی است.

۸- با انتخابات و نقش آرای عمومی در جامعه آشنا است.

۹- در مواجهه با تبلیغات دشمنان میهن اسلامی، از خود هوشیاری نشان می‌دهد.

۱۰- اهمیت وحدت و امنیت ملی را درک می‌کند.

۱۱- نقش مردم و دین را در حکومت می‌داند.

### اقتصادی

۱- ارزش کار را برای بهبود وضعیت فردی و اجتماعی می‌داند.

۲- در حفظ وسایل، خود می‌کوشد و با ترمیم آن‌ها حداکثر استفاده را از آن‌ها می‌کند.

۳- اهمیت آمادگی برای کار بیش‌تر و پرهیز از راحت‌طلبی را در پیشرفت اقتصادی جامعه می‌داند.

۴- نسبت به حفظ و توسعه منابع اقتصادی ملی و منطقه‌ای خود حساس است.

۵- مالکیت دیگران را محترم می‌شمارد و نسبت به رعایت آن حساس است.

۶- به نقش مشاغل و حرف در زندگی فردی و اجتماعی آگاه است.

۷- منابع اقتصادی کشور و محیط زندگی خود را می‌شناسد و نقش آن را در رفاه عمومی می‌داند.

۸- احکام اقتصادی اسلام را می‌داند و در حد وظیفه به آن‌ها یابند است.

۹- برای حمایت از تولیدات داخلی استفاده از آن‌ها را بر کالاهای مشابه خارجی ترجیح می‌دهد.

۱۰- به مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی



این تلقی اگرچه در «هدف‌های کلی فارسی دوره راهنمایی» که در کتاب راهنمای معلم فارسی دوم راهنمایی (سال ۱۳۷۸) کم‌رنگ‌تر شده است، هنوز هم رنگ و بوی آن وجود دارد.

### هدف‌های کلی فارسی دوره راهنمایی

در تدوین و طراحی برنامه درسی دوره راهنمایی یک سری اهداف کلی تعیین شده است که این اهداف براساس اهداف کلی دوره راهنمایی انتخاب و تدوین گردیده است. با توجه به این که طبقه‌بندی اهداف در سه حیطه یادگیری در برنامه درسی فارسی راهنمایی لحاظ نشده است، برای مطلوبیت و تسهیل مطالب صفحات قبل، اهداف کلی این درس در سه حوزه یادگیری در جدول پایان مطلب ارائه می‌شود.

در اهداف دوره راهنمایی تحصیلی، ۱۰۵ بند به عنوان هدف تدوین شده است که ۶۴ بند از آن، به طور مستقیم، به نحوی بر تغییر رفتار و نگرش دانش‌آموزان تکیه دارد.

ضمن این که مبنای تقسیم‌بندی‌ها نیز دچار مشکل اساسی است و نوعی خطای مقوله‌ای در آن مشاهده می‌شود و برخی از این مفاهیم، به راحتی در دل مفاهیم دیگر قرار می‌گیرد. مگر اعتقاد و اخلاق جزئی از فرهنگ نیست؟ به نظر می‌رسد که در این متن، مفاهیم با تعریف متعارف علمی مورد استفاده قرار نگرفته است. هم‌چنین، بین اهداف کلان، اهداف خرد، سیاست و برنامه نیز خلط شده است. آن‌چه در بخش علمی و آموزشی آمده، در واقع به نحوی به برنامه کلی پهلوی

می‌زند. ضمن این که در کل، با تراکم هدف روبه‌رو هستیم. طرفه این جاست که دانش‌آموز، پس از طی پنج سال ابتدایی و سه سال راهنمایی و داشتن کتاب فارسی در همه مقاطع، هنوز درباره اصل این که «ادبیات چیست؟» چیزی نخوانده است. در برنامه کلی دوره و در برنامه فارسی، هیچ اشاره‌ای به این بحث نشده و در سراسر کتاب‌های فارسی نیز حتی درسی در این زمینه گنجانده نشده است. دانش‌آموز، پس از گذراندن دوره راهنمایی هم فرق بین یک متن ادبی و یک متن غیرادبی را نمی‌داند؛ زیرا آن‌چه در سامان‌یابی این کتاب‌ها اصالت دارد، مجموعه‌ای از موضوع‌هاست؛ با مجموعه‌ای از مطلوب‌های رسمی. تازه از زوایای دیگری هم در این زمینه می‌توان بحث کرد.

آیا مجموعه‌ای چون آموزش و پرورش، توان محقق کردن این اهداف را دارد؟ و حتی اگر داشته باشد، آیا چنین اختیاری دارد؟ بخشی از آن‌چه به عنوان هدف تعیین شده است، با قانون اساسی کشور نیز تناقض دارد. وقتی قانون اساسی تقیث عقاید را ممنوع می‌داند، چگونه می‌توان موفقیت یا عدم موفقیت برخی اهداف این برنامه، مثلاً بندهای متعددی از جمله بخش اعتقادی را سنجید؟

آن‌چه در این برنامه، می‌تواند ادبیات ارتباط داشته باشد، بند ۹ (اعتقادی) ۵ و ۲ (علمی و آموزشی) و بخش فرهنگی هنری است. مروری بر این بندها، تلقی حاکم بر تألیف کتاب‌های درسی را نشان می‌دهد. حال با این تلقی، آیا می‌توان کتابی مطلوب نوشت؟

## هدف‌های کلی درس فارسی در دوره راهنمایی

حوزه شناختی	حوزه مهارتی	حوزه نگرشی (مادفی)	سطوح یادگیری ماده درسی
۱- آشنایی با ساختمان و معنی واژه‌ها	۱- توانایی درک گفته‌ها و نوشته‌ها	۱- تقویت علاقه به کاربرد صحیح مهارت‌های زبانی در زندگی روزمره	<b>فارسی</b>
۲- آشنایی با دستور زبان فارسی	۲- توانایی سخن گفتن در برابر جمع	۲- تقویت مبانی دینی و عقیدتی نوجوانان	
۳- آشنایی با املائی کلمات	۳- توانایی نوشتن به زبان فارسی معیار	۳- تقویت میل و رغبت به رعایت اصول اخلاقی	
۴- آشنایی با راه‌های گسترش واژگانی	۴- توانایی به کارگیری آموخته‌ها در نگارش متن	۴- تقویت حس هم‌بستگی ملی و اسلامی در نوجوانان	
۵- آشنایی با مسائل و ضروریات زندگی	۵- توانایی درک زیبایی‌های ادبی	۵- تقویت نگرش مثبت به علم‌آموزی و قدردانی از میراث فرهنگی	
۶- آشنایی با آداب و رسوم مردمان نواحی مختلف ایران	۶- توانایی نوشتن متن ادبی	۶- تقویت حس زیبایی - شناسی نوجوانان	
۷- آشنایی با بعضی از نکات ذوقی و بلاغی	۷- توانایی تشخیص زیبایی‌های ادبی	۷- تقویت نگرش مثبت به شناخت ادبیات فارسی و ادبیات سایر ملت‌ها	
۸- آشنایی مختصر با تاریخ ادبیات ایران	۸- توانایی اظهار نظر درباره بزرگان ادبی و علمی	۸- تقویت نگرش مثبت به مطالعه منابع و متون مناسب ادبی	
۹- آشنایی با نمونه‌های مناسب ادبی	۹- توانایی تشخیص و مقایسه قالب‌های شعری	۹- تقویت علاقه به استفاده از زیبایی‌های ادبی در گفتار و نوشتار	
۱۰- آشنایی با بزرگان ادبی ایران و جهان			
۱۱- آشنایی با برخی از قالب‌های شعری			